

روابط بینامتنی اشعار ابن زیدون با قرآن کریم

معصومه نعمتی قزوینی*

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۲۲

حمیده سادات محسنی**

تاریخ پذیرش: ۹۴/۲/۱۱

چکیده

به طور کلی هر انسانی در فرایند عقلانی، فکری و حتی عاطفی خود از افکار، ایده‌ها و مکاتب مختلف تأثیر می‌پذیرد. "بینامتنی" نظریه‌ای است که با ورودش به حوزه نقد ادبی، باعث ایجاد تحولی شگرف در این زمینه گشت. بر اساس این نظریه، هر متنی، آگاه یا ناخودآگاه، زایش و بازخوانشی از دیگر متون پیش از خود یا معاصر با خود است. بنا بر این نظریه، بسیاری از متون عربی را می‌بینیم که هر کدام در انواع و اشکال مختلف، با متون کلاسیک گران‌سنگ عربی، دارای روابط بینامتنی است که البته سهم قرآن در این میان، از دیگر متون بیش‌تر بوده است. ابن زیدون یکی از شاعران برجسته اندلس است که در اشعار خود از قرآن کریم اثر پذیرفته است. بر این اساس پژوهش حاضر با روش تحلیلی- توصیفی به تبیین گونه‌های مختلف بینامتنی قرآنی در اشعار این شاعر پرداخته و به این نتیجه رسیده است که ابن زیدون با سه شیوه تلمیحی، گزاره‌ای و واژگانی از قرآن کریم تأثیر پذیرفته است که البته سهم شیوه سوم بیش‌تر از دو شیوه دیگر است.

کلیدواژگان: قرآن کریم، بینامتنی، شعر اندلس، ابن زیدون.

m.n136089@yahoo.com

* استادیار زبان و ادبیات عربی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

** دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

khasheain@gmail.com

نویسنده مسئول: معصومه نعمتی قزوینی

مقدمه

یکی از رویکردهای مورد توجه در پژوهش‌های مربوط به ادبیات در دهه‌های اخیر، مطالعات بینامتنی است. نظریه بینامتنی، نخستین بار توسط ژولیا کریستوا (۱۹۴۱) در سال ۱۹۶۰ و با الهام از آثار میخائیل باختین (۱۸۹۵-۱۹۷۵) مطرح شد. بنابراین جرقه‌های این نظریه را می‌توان در گرایش‌های صورت‌گرانه میخائیل باختین جست‌وجو کرد؛ گرایش‌هایی که راه را برای تحول در عرصه نقد ادبی در سال‌های بعد گشود. تحولی که توجه ناقدان را از مؤلف یک اثر ادبی به خود متن معطوف کرد و متن را اساس کار قرار داد (احمدی، ۱۳۷۸: ۶۲۶). این همان عقیده‌ای است که از آن به عنوان مرگ مؤلف یاد می‌شود و رولان بارت (۱۹۱۵-۱۹۸۰) آن را در مقاله‌ای که به سال ۱۹۶۸ با همین نام منتشر کرد، مطرح نموده است. «بارت تحت تأثیر آثار باختین، این نکته را در قالب این مسأله مطرح می‌کند که خاستگاه متن، نه یک آگاهی متحد مؤلفانه، بلکه تکثری از آواها، از دیگر واژه‌ها، از دیگر گفته‌ها و دیگر متن‌هاست» (آلن، ۱۳۸۰: ۱۰۵). باختین در تعریف بینامتنی که از آن به عنوان «مکالمه» یاد می‌کند بیان کرده است که مکالمه یا گفت‌وگومندی به رابطه ضروری هر پاره‌گفتاری با پاره‌گفتارهای دیگر اطلاق می‌شود (یلمه‌ها و رجبی، ۱۳۹۳: ۳).

پس بنا بر نظریه بینامتنی، هیچ متن مستقلی وجود ندارد؛ بلکه هر متنی برخاسته و شکل یافته از متون پیش از خود یا معاصر با خود و خوانندگان است. به این ترتیب هیچ مؤلفی خالق اثر خویش نیست، بلکه اثر او بازخوانشی از آثار پیشینیان یا معاصران او است. بارزترین ویژگی بینامتنی، ارتباط تنگاتنگ معنا و ساختار میان متون کلاسیک و معاصر است و از طریق این پیوند میان گذشته و حال است که حال بارور و غنی می‌شود. با در نظر گرفتن چنین رویکردی به متون، می‌توان گفت که یک اثر ادبی، ریشه در نظام درهم تنیده متون داشته و آفریننده خاصی ندارد (ر.ک: مختاری و شانقی، ۱۳۸۹: ۱۹۸). در زمینه انواع تناس و سبک‌های گوناگون آن که حکایت از سطوح متفاوت روابط بینامتنی دارد، سخن فراوان رفته است. از یک دیدگاه روابط بینامتنی را به سه سطح، بینامتنی داخلی، بینامتنی ذاتی و بینامتنی خارجی تقسیم کرده‌اند. بینامتنی ذاتی همان روابطی است که آثار مختلف یک نویسنده با یکدیگر دارند که از پس‌زمینه ذهنی آن

نویسنده حکایت دارد. بینامتنی داخلی نیز به روابط موجود بین آثار نویسنده با متون معاصر وی می‌پردازد؛ به‌ویژه اگر زمینه مشترکی در میان باشد که راه را برای خلق آثار نو هموار می‌سازد. در نهایت تناسبات خارجی، روابط موجود میان متون مختلف را در همه اعصار و دوره‌ها بررسی می‌کند و به دوره‌ای خاص یا نوع معینی از متون اختصاص ندارد، بلکه آزادانه متون گوناگون را به دنبال یافتن این‌گونه روابط می‌کاود و مورد بررسی قرار می‌دهد (ر.ک: حماد، بی تا: ۴۵-۴۶).

علی‌رغم اینکه مفهوم بینامتنیت در گفتمان نقدی قدیم عربی، با نام‌های دیگری همچون «نقائض»، «معارضات»، «تضمین»، «اقتباس»، «سرقتهای ادبی» و... موجود است (ر.ک: مختاری و شانقی، ۱۳۸۹: ۲۰۰)؛ اما این مفهوم در گفتمان نقدی معاصر عرب، در اوایل دهه هشتاد و توسط سیزا/قاسم در مقاله‌ای به نام «المفارقة فی القصص العربی» در سال ۱۹۸۲ م مطرح گردید (ر.ک: قاسم، ۱۹۸۲: ۱۴۲).

پس از آن منتقدان دیگری از جمله محمد بنیس، محمد مفتاح، سعید یقطین، عبدالملک مرتاض، صبری حافظ و... علاوه بر جنبه کاربردی، به نظریه‌پردازی در این زمینه نیز پرداختند. محمد بنیس از نخستین پژوهشگران بینامتنی در نقد ادبی عرب بوده است؛ وی در ارائه دیدگاه‌هایش، نظرات کریستوا، تودوروف و ژنت را مد نظر قرار داده و از نظرات آن‌ها به عنوان ابزاری برای خوانش متن بهره گرفته است (زاوی، ۲۰۰۸: ۳۵). وی معتقد است که تداخل متون (روابط بینامتنی) هر نوع متن قدیم و جدید، اعم از شعر و نثر را در بر می‌گیرد و در غیاب گفتمان‌های دینی - فرهنگی - تاریخی که هسته‌های مرکزی متن قصیده را تشکیل می‌دهند نمود پیدا می‌کند (بنیس، ۱۹۷۹: ۲۵۱). بنیس به جای «التناسبات» ترکیب‌های «تداخل النصوص» و «النص الغائب» و «هجرة النص» را به کار برده است.

در نتیجه این تداخل متون (وارد شدن متون در یکدیگر) متن حاضر توسط متن یا متون غایب آفریده می‌شود و متن غایب همان است که نوشتار و خوانش آن بازآفرینی می‌شود، یا به عبارتی دیگر تداخل متون، مجموعه‌ای از متون پنهانی است که درون متن حاضر جای گرفته و به صورت پنهانی در شکل‌گیری ساختار و معانی متن حاضر عمل می‌کند (همان: ۲۵۱).

محمد مفتاح یکی دیگر از منتقدان معاصر عرب، به پیروی از کریستوا، از نظریه "Intertextuality" به واژه «التناس» تعبیر می‌کند. تعریف او از بینامتنیت چنین است «بینامتنی عبارت است از تعامل (تأثیر متقابل) متون گوناگون با همدیگر در کیفیت‌های مختلف» (مفتاح، ۱۹۹۵: ۱۱).

وی معتقد است که مفهوم بینامتنی، در مفاهیمی همچون الأدب المقارن (ادبیات تطبیقی)، المثاقفة (تبادل فرهنگی)، دراسة المصادر (مطالعه منابع)، سرقت‌های ادبی وارد می‌شود (همان). از نظر محمد مفتاح، اساس آفرینش هر متن، شناخت صاحب آن از جهان پیرامون‌اش است که اساس تأویل متن از سوی خواننده نیز هست (مفتاح، ۱۹۹۰: ۳۵). عبدالمکرم مرتاض در خصوص بینامتنی، از دیدگاه‌های ژولیا کریستوا پیروی کرده و معتقد است که هر متنی، شبکه‌ای از داده‌های زبان‌شناسی، ساختارگرایی و ایدئولوژی است که در ایجاد متن جدید دست به دست هم می‌دهند. از نظر او هر متن بر تعددگرایی استوار است و به نظر می‌رسد این همان چیزی باشد که کریستوا از آن به إنتاجية النص (فرآوری متن) تعبیر می‌کند (السد، ۱۹۹۸: ۱۰۳). یقطین بینامتنیت را مجموعه‌ای از متون نزدیک به متن حاضر دانسته که وجودشان را از طریق تجسم شکل‌های مختلفی همانند تغییر متن غایب بعد از جذب آن، تحقق می‌بخشد (یقطین، ۱۹۹۲: ۲۸-۲۹). صبری حافظ به جای متن غایب، تعبیر «النص المزاح» (متن از بین رفته شده) و برای متن حاضر، تعبیر «النص الحال» را به کار می‌برد. گاهی این متن حال، در دور کردن متن مزاح و نفی آن موفق می‌شود؛ اما هیچ‌گاه نمی‌تواند اثرات آن را به طور کلی از بین ببرد (حافظ، ۱۹۸۴: ۱۱).

در نتیجه، این نظریه با نام‌ها و تعاریف متفاوتی در نقد ادبی معاصر عربی روبه‌رو شد، به گونه‌ای که منتقدان، نزدیک به بیست نام را برای آن ذکر کرده‌اند. اما در بین این نام‌ها «التناس» بیش از بقیه، در گفتمان نقد عربی رواج پیدا کرد (ر.ک: مختاری و شانقی، ۱۳۸۹: ۱۹۹). در هر حال، منتقدان معاصر عربی، به این مفهوم پی بردند و کوشش کردند تا آن را با این مفاهیم در نقد قدیم عربی وفق دهند. اما آرای نظریه‌پردازان قرن بیستم در حیطه زبان‌شناسی و نظریه بینامتنی، با مباحثی همچون اقتباسات و سرقت‌های ادبی، کاملاً متفاوت است؛ «زیرا در این گونه مباحث، بیش‌تر

جنبه منفی آن‌ها، مورد بررسی قرار می‌گرفت، در حالیکه در این نظریه، جنبه‌های مثبت آن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد که بر اساس آن، فهم متون بهتر و دقیق‌تر خواهد شد؛ به این معنی که با پژوهش‌های بینامتنی، بهتر و دقیق‌تر می‌توان از متون بهره برد» (قائمی، ۱۳۸۷: ۱۵۸). اما به هر شکل، این نظریات، که در نقد قدیم عربی به طور مفصل به آن پرداخته شده است، از منظر بینامتنی، شکلی جدید به خود می‌گیرند که بیانگر این موضوع است که منتقدان معاصر عربی، پیش از غربی‌ها به مناسبات بین متونی پی برده بودند، تا جایی که در نظر برخی از منتقدان معاصر عربی، بینامتنی، بازخوانش و نگرشی دوباره به سرفته‌های ادبی در نقد ادبی عرب است (ر.ک: مختاری و شانقی، ۱۳۸۹: ۱۹۹-۲۰۰).

بر اساس آنچه بیان شد پژوهش حاضر بر آن است تا با تحلیل اشعار/بن زیدون به سؤالات زیر پاسخ دهد:

- /بن زیدون در اشعار خود، تا چه حد از قرآن کریم اثر پذیرفته است؟
 - شیوه‌های اثرپذیری/بن زیدون از قرآن کریم کدام‌اند؟
- بر اساس سؤالات مطرح شده می‌توان فرضیه‌های زیر را نیز مطرح نمود:
- /بن زیدون به عنوان شاعری مسلمان تا حد زیادی از قرآن کریم تأثیر پذیرفته است.
 - به نظر می‌رسد/بن زیدون با هر سه شیوه گزاره‌ای، تلمیحی و واژگانی از قرآن کریم اثر پذیرفته است.

پیشینه پژوهش

با توجه به اینکه/بن زیدون از شاعران برجسته و تأثیرگذار در ادبیات اندلس است، پژوهش‌های چندی پیرامون شخصیت و آثار او انجام شده است که عبارت‌اند از: مقاله «دراسات أندلسية: البطشة الكبرى بين ابن زیدون وابن عمار»، عبد الرحمن الفاسی (مجله المجمع العلمي العراقي، شماره ۳۹، ربیع الاول ۱۴۰۲)؛ مقاله «دور ابن زیدون السیاسی والدبلوماسی فی الأندلس فی عصر ملوک الطوائف»، محمد حسین الزبیدی (مجله المورخ العربی، شماره ۴، سال ۱۹۷۷)؛ مقاله «نونية ابن زیدون قراءة تحليلية»، احمد حاجم الربيعی (مجله المورد، جلد ۳۰، شماره ۱، سال ۱۴۲۳)؛ مقاله

«معالم قرطبة في شعر ابن زيدون»، السيد عبد العزيز سالم (مجله المعهد المصرى للدراسات الاسلامية مدريد، شماره ۲۲، سال ۱۹۸۳)؛ مقاله «أطيف من الأندلس: الطبيعة في شعر ابن زيدون»، حسن جاد (مجله الازهر، جلد ۲۱، شماره ۷، رجب ۱۳۶۹)؛ مقاله «موازنات أدبية: نونية ابن زيدون»، حسن جاد حسن (مجله الازهر، جلد ۲۳، جمادى الآخرة ۱۳۷۱، جزء ۶)؛ مقاله «تجربة ابن زيدون العاطفية مع ولادة من خلال شعره الغزلي (مقاربة دلالية أسلوبية)»، الحبيب العوادى (مجله دراسات أندلسية، جمادى الأولى ۱۴۲۲، جزء ۲۶)؛ مقاله «ملاحظات سائح في ديوان ابن زيدون»، السيد على أحمد باكثير (مجله المعرفة، سال دوم، شعبان ۱۳۵۱، جزء ۸)؛ مقاله «مقاربة أسلوبية لنونية ابن زيدون»، منصوره زركوب - سمية حسنعليان (مجله اللغة العربية وآدابها، بهار و تابستان ۱۴۳۳ - شماره ۱۴)؛ مقاله «بين شوقى وابن زيدون»، زكى مبارك (مجله الرسالة، ۱۷ شعبان ۱۳۵۵ - شماره ۱۷۴)؛ و مقاله «إبن زيدون وأسباب سجنه»، عبدالموجود عبدالحافظ (مجله الرسالة، ۱۵ شعبان ۱۳۷۰ - شماره ۹۳۳). شایان ذکر است که در زمینه بینامتنی قرآنی در شعر ابن زيدون، تا کنون هیچ پژوهشى انجام نشده است. از این رو، این مقاله، پژوهش جدیدی است که بنا بر نظریه بینامتنی، به تأثیر قرآن در اشعار ابن زيدون پرداخته است.

اشعار ابن زيدون از جنبه‌های گوناگونی همچون درونمایه، ساختار، واژه و ... با آیات قرآنی دارای روابط بینامتنی است. این مقاله سعی دارد تا با بیان نمونه‌هایی از روابط بینامتنی دیوان ابن زيدون با قرآن، به بررسی و تبیین این موضوع بپردازد.

مروری بر زندگی و آثار ابن زيدون

ابن زيدون، ابو الوليد، احمد بن عبدالله بن احمد بن غالب بن زيدون مخزومی (۳۹۴-۴۶۳ق/ ۱۰۰۳-۱۰۷۰م)، شاعر و نویسنده اواخر عصر اموی و اوایل دوره ملوک الطوائف در اندلس است. نسب ابن زيدون از پدر به بنی مخزوم یکی از تیره‌های قریش می‌رسید. وی در خانواده‌ای توانگر و اهل علم در رصافه، حومه قرطبه، به دنیا آمد (ابن بشکوال، ۱۹۶۶م: ۲۵۹). در ۱۱ سالگی پدرش را، که از عالمان و فقیهان بزرگ قرطبه بود، از دست داد و جد مادری اش / بوبکر محمد، که صاحب مناصب قضاوت در شهرهای سالم و

قرطبه بود، سرپرستی او را به عهده گرفت (عبدالعظیم، ۱۹۵۵م: ۱۰۰-۱۰۱). او در جوانی با بسیاری از مشاهیر علم و سیاست دوستی و مجالست داشت. از آن میان می‌توان از *ابوالولید بن جهور* و *ابوبکر بن ذکوان* نام برد که یکی در سیاست و دیگری در فقه و قضا مشهور بوده‌اند. ظاهراً *ابن زیدون* جوان مستقیماً در وقایعی که به فروپاشی خلافت قرطبه انجامید و در تاریخ اندلس به دوره فتنه معروف است، شرکت داشته و خود از کسانی بوده که جهوریان قرطبه را به قدرت رساندند (ابن خاقان، ۱۲۸۴ق: ۷۰).

او خود بعدها که روابطش با *امیر ابوالحزم بن جهور* به تیرگی گرایید، در برخی از اشعار و یکی از رسایل خود به کوشش‌هایی که در تأسیس حکومت جهوریان داشته، اشاره کرده است. همین کوشش‌ها نیز مایه ترقی او در بارگاه بنی جهور شد. *ابن جهور* که سیاستمداری هوشمند بود، به وی منصب وزارت داد و او را در زمره نزدیکان و سخنگویان خود درآورد. اما این وضع دیری نپایید و اختلافاتی که ظاهراً از یک سو نتیجه تفاوت روحیات و مقاصد سیاسی این دو و از سوی دیگر حاصل دسیسه‌های رقیبان و مخالفان *ابن زیدون* بود، مناسبات امیر و وزیر را به تیرگی کشاند و در نهایت به اسارت *ابن زیدون* و سپس گریز وی از قرطبه انجامید (همان: ۸۱).

ابن زیدون از برجسته‌ترین نمایندگان سبک کهن در شعر اندلس و از بزرگ‌ترین شاعران این سرزمین به شمار می‌رود (حتی، ۱۳۶۶: ۷۱۵). عمده اشعار او را مدح و غزل تشکیل می‌دهد. وصف، رثا، هجو و شکوه نیز از جمله موضوعات مهم شعر اوست. پای‌بندی شدید به سبک‌ها و قالب‌های کهن، انتخاب اوزان و بحور و قوافی ساده و دلنشین، استفاده فراوان از صنایع بدیعی به ویژه جناس و طباق، زیبایی تعبیر و روانی و سلاست خیره‌کننده از ویژگی‌های بارز سبک شعر اوست. موسیقی دلکش و آهنگ‌موزون اشعار وی سبب شده که او را "بختری مغرب" لقب دهند (ضیف، ۱۹۵۳: ۳۷-۳۸). نکته جالب در شعر *ابن زیدون* شباهت اسلوب قصاید او به اسلوب رسایل است. بدین معنی که نظم او اغلب رنگ و بوی نثر می‌یابد و به دیگر سخن قصیده‌سرایی او اغلب نوعی رساله‌نگاری است (عباس، ۱۹۷۱: ۱۶۶). این امر بی‌گمان زائیده چیره‌دستی او در رساله‌نگاری و شیوه خاص او در مخاطب نهادن ممدوح یا معشوق است (دانشنامه بزرگ اسلامی، ج ۳، ۱۳۶۹: ۱۲۸۳).

تأثیر قرآن کریم بر شعر و اندیشه ابن زیدون

«هر قدر آشنایی ما با گذشته بیش تر باشد، این نکته بر ما بیش تر روشن می شود که تقریباً هیچ موضوع و تصویری نیست که بدیع و بی سابقه باشد. چه بسا افرادی که شاعری را در مضامین و تصاویر جدید، بی همتا می دانند اما برای اهل فن روشن است که آن مضامین و تصویر هم قبلاً گفته شده است. لذا مسأله در تصویر و موضوع نیست، در زبان است، یعنی عمده نوآوری و ابداع، در طرز بیان و استعمال زبان است» (شمیسا، ۱۳۷۸: ۱۵۳).

بر اساس آنچه بیان شد، هیچ متنی را نمی توان یافت که در خلأ ایجاد شده باشد و چنانچه با دقت و تأمل در هر متنی نگریسته شود، می توان رد پای متون پیشین را کم و بیش در آن مشاهده نمود. اما اینکه هر متن تا چه حد قادر است در متون دیگر اثر بگذارد بستگی به جنبه های صوری و محتوایی آن دارد. از آنجا که قرآن کریم هم از جهت شکل و هم از جهت محتوا متنی بی مانند و منحصر به فرد است، بی شک اثرگذاری آن نیز فراتر از دیگر متن ها است به نحوی که اگر آثار ادبی شاعران و نویسندگان مسلمان - و حتی گاه غیر مسلمان - را در دوره های مختلف بررسی کنیم نمادهای آن را مشاهده خواهیم کرد. با مطالعه و بررسی دیوان کامل اشعار ابن زیدون شاعر مسلمان اندلسی نیز معلوم شد که او در موارد متعددی تحت تأثیر اسالیب و مفاهیم قرآنی قرار داشته است که مهم ترین شیوه های این اثرپذیری عبارتند از:

- اثرپذیری تلمیحی
- اثرپذیری گزاره ای
- اثرپذیری واژگانی

اثرپذیری تلمیحی

تلمیح در لغت به معنای به گوشه چشم نگریستن است و در اصطلاح فن بدیع، آن است که شاعر در ضمن کلام به داستان یا مثل یا آیه و حدیث یا حادثه ای که مشهور باشد اشاره می کند (کزازی، ۱۳۷۳: ۱۱۰). تلمیح در اصطلاح علم بدیع یعنی شاعر یا نویسنده در ضمن اثر خود به آیه، حدیث، ضرب المثل و داستانی اشاره کند، به طوری که اگر منشأ آن مشخص نباشد در فهمیدن معنا خلل ایجاد شود (محمدی، ۱۳۷۴: ۸).

در شیوه تلمیح، شاعر سخن خویش را بر پایه نکته‌ای قرآنی بنا می‌نهد اما به عمد آن را با نشانه یا اشاره‌هایی همراه می‌سازد که خواننده شعر را به آنچه خود بر آن نظر داشته را نماید (راستگو، ۱۳۷۶: ۵۲). از نمونه‌های این نوع اثرپذیری، فراخوانی شخصیت‌های قرآنی است؛ شخصیت پیامبرانی مانند آدم (ع)؛ یوسف (ع)؛ و نوح (ع)؛ ایوب (ع) و پیامبر اکرم (ص)... و شخصیت هابیل و قابیل. ناقدان عرب از این نوع تناسبات به فراخوانی شخصیت‌های دینی (استدعاء الشخصیات الدینیة) یاد کرده‌اند (نک: عسری زاید، علی؛ استدعاء الشخصیات التراثیة فی الشعر العربی المعاصر، ۲۰۰۶م). نمونه‌های این شیوه اثرپذیری در اشعار ابن زیدون عبارت‌اند از:

داستان حضرت یوسف (ع)

شاعر در قصیده‌ای با عنوان «أنا سيفك الصدیء»، که در آن به مدح ابو حزم بن جمهور پرداخته است، با شیوه‌ای هنرمندانه از داستان یوسف (ع) برای بیان مقاصد خود بهره برده است. شاعر در بخشی از این قصیده برای آنکه حسادت و بدخواهی اطرافیان را نسبت به خود نشان دهد به ماجرای حسادت برادران یوسف به وی اشاره کرده است؛ که آن‌ها از سر کینه و حسادت برادر خور را به درون چاه افکندند و سپس برای فریب‌دادن یعقوب (ع) پیراهن خون‌آلود او را به نزد پدر بردند و به دروغ، گناه خود را به گرگ نسبت دادند. در واقع شاعر هم خودش را مانند یوسف می‌داند که مورد حسادت اطرافیان قرار گرفته و هم مانند گرگی که به گناه نکرده متهم شده است:

كان الوشاةُ وقد مُنيت بإفكهم
أسباط یعقوبٍ وكنت الذیبا
(ابن زیدون، ۱۹۹۹: ۴۸)

این بیت با آیه ۱۷ و ۱۸ سوره یوسف (ع) دارای رابطه بینامتنی است:

﴿قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكْنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَتَاعِنَا فَأَكَلَهُ الذِّئْبُ وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لِّنَا وَلَوْ
كُنَّا صَادِقِينَ﴾
﴿وَجَاءُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ
الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ﴾

داستان ابراهیم (ع)

شاعر در قصیده‌ای با عنوان «ظلم اللیالی» از داستان ابراهیم (ع) استفاده کرده است. او این قصیده را زمانی سروده است که حدود پانصد روز در زندان بوده است. او در این قصیده از شرایط نامناسب خود در این دوران شکوه کرده است. مخاطب این شعر ابن جهور است که شاعر در ضمن بیان شرایط نامناسب خود در زندان از او می‌خواهد که همانند ابراهیم (ع) که به اذن خدا آتش برایش گلستان شد، با عفو خویش آتش زندگی او در زندان را به برد و سلام رهایی تبدیل سازد:

نارٌ بغی سرى إلى جنّة الأمن لظاهها، فأصّحت كالصریم
بأبی أنت، إن تشأ، تك بردا وسلاما، كنار ابراهیم

(همان: ۲۸۲)

چنان که پیدا است آیه ۶۹ سوره انبیا، الهام‌بخش شاعر در سرودن ابیات فوق بوده است:

﴿قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ﴾

داستان موسی (ع)

شاعر در دیوان خود، از دو جنبه داستان موسی (ع) الهام گرفته است. جنبه اول همان ماجرای تولد و کودکی موسی (ع) است. از آنجایی که شاعر، مدتی از عمر خویش را در زندان سپری کرده بود، اشعار بسیاری را درباره رنج و اندوه دوران اسارت سروده است. از جمله این اشعار قصیده «ألم یأْن أن یبکی الغمام؟» است. شاعر در این قصیده برای دلداری دادن به مادر خویش و کاستن از رنج و اندوه ناشی از دوری فرزند، داستان مادر موسی (ع) را بدو یادآوری می‌کند که چگونه فرزندش را در صندوقی گذاشت و در رود نیل رها کرد اما در نهایت خداوند او را به آغوش مادرش بازگرداند. شاعر با یادآوری این داستان از مادرش می‌خواهد که از این ماجرا پند گیرد و شکیبها باشد:

أقلّی بکاء، لستِ أولَ حرّة طوت بالأسی کشحاً علی مضض الثکل
وفی أمّ موسی عبرة أن رمّت به إلى الیمّ، فی التابوت، فاعتبری واسلی

(همان: ۲۴۰)

به نظر می‌رسد میان این ابیات با آیه ۷ سوره مبارکه قصص:

﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خُفِتْ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾

رابطه بینامتنی وجود دارد.

جنبه دوم از زندگی موسی(ع) که شاعر از آن استفاده کرده مربوط به ماجرای فرار او از دست قبطیان است. شاعر در قصیده «شطّ المزار» از این داستان برای بیان تجربه معاصر خویش الهام گرفته است. ماجرا از این قرار است که شاعر پس از فرار از زندان این قصیده را خطاب به محبوبه‌اش ولاده سروده و در آن خواستار شفاعت و وساطت دوستانش در نزد/بن جهور شده است. او در این قصیده اعلام می‌کند که گناهانی که بدو نسبت داده‌اند دروغ است و علت فرار او گناهکار بودنش نیست بلکه موسی(ع) هم از بیم فرعونیان مجبور به فرار شده است:

وقد وسمونی بالتی لستُ أهلها
فررتُ فإن قالوا الفرارُ إرابةً
ولم یمنَ أمثالی بأمثالها قطّ
فقد فرّ موسی حین همّ به القبطُ

(همان: ۱۵۹)

به نظر می‌رسد آیه ۱۵ سوره قصص:

﴿وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينِ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَنَّاخَهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَرَهُ مُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيْهِ قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِينٌ﴾

الهام‌بخش شاعر در سرودن این ابیات بوده است. ماجرای فرار موسی(ع) از این قرار بود که او به قصد کمک و فریادرسی یکی از پیروان‌اش در برابر یک مرد قبطی، ضربه‌ای را به او زده، موجب مرگ‌اش شده و در پی این حادثه مجبور به فرار شد.

اثرپذیری گزاره‌ای

شیوه اثرپذیری گزاره‌ای دو نوع است: ۱- اقتباس یا تضمین، ۲- حل یا تحلیل.

در نوع اول یعنی اقتباس و تضمین، شاعر گزاره یعنی یک جمله یا عبارت قرآنی را با همان شکل و ساختار، بدون هیچ‌گونه تغییر و دگرگونی و یا با اندک تغییری که در

تنگنای وزن و قافیه از آن گریزی نیست، در سخن خود جای می‌دهد (راستگو، ۱۳۷۶: ۲۹). در نوع دوم که همان حل یا تحلیل است گوینده، بیش از حد معمول در ساختار اصلی آیه دستکاری می‌کند و چه بسا ساختار اصلی آن را به نوعی بر هم می‌زند و بافت آیه را تغییر می‌دهد (همان: ۳۱).

شیوه گزاره‌ای (اقتباس یا تضمین)

ابن زیدون در یکی از قصاید خود برای مدح/ابن‌جمهور، سکونت در جوار خانه خدا و هم‌نشینی با عبادت‌کنندگان الهی را به عنوان یکی از فضایل او برمی‌شمرد. شاعر در این ابیات با الهام از آیه ۲۴ سوره مبارکه ص:

﴿قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْبَتِكَ إِلَىٰ نِعَاجِهِ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ وَظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ﴾

توانسته است مقصود خود را به شکلی زیباتر و اثرگذارتر به مخاطب منتقل سازد:
وجاورت بیت الله أنسا بمعشرٍ
خسوه، فخرّوا رُكعًا و أنابوا
(همان: ۴۱)

در این آیه خداوند به استغفار داود نبی(ع) پس از شتابزدگی در داوری - که شرح آن پیش‌تر بیان شد - اشاره کرده است، بدین معنا که وقتی آن حضرت متوجه خطای خود شد از خداوند طلب مغفرت نموده و به نماز و توبه روی آورد.

شیوه گزاره‌ای (حل یا تحلیل)

ابن زیدون در قصیده‌ای با نام «شکر و عزاء»، به رثای فرزند سه ساله خلیفه پرداخته است. او در این قصیده برای تسلی دادن به خلیفه از آیه شریفه ۹۶ نحل:

﴿مَاعِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَاعِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾

الهام گرفته است. او از خلیفه می‌خواهد که در برابر این مصیبت صبر نماید زیرا خداوند در آیه ۹۶ نحل وعده ثواب مضاعف را در برابر صبر بندگان به آن‌ها داده است و در آیه ۷ سوره ابراهیم(ع)، شکر را مایه افزونی و فراوانی نعمت برشمرده است:

سرک الدهر و ساء
کم أفاد الصبر أجراً

فاقن شکرأ وعزاء
واقترضی الشکر نماء

(همان: ۲۱)

اثرپذیری واژگانی

واژگان ماده اولیه‌ای است که هر ادیبی می‌تواند با آن تصور خود را از هستی و پیرامون خود ارائه نماید؛ همانند رنگ در نقاشی که در اختیار همه هنرمندان است تا با زبردستی، تابلوی زیبای خود را بیافرینند (مرتاض، ۱۹۹۸: ۳۷۰). در این شیوه، شاعر در بکارگیری پاره‌ای از واژه‌ها و ترکیب‌ها وام‌دار قرآن است، یعنی واژه‌ها و ترکیب‌هایی را در شعر خویش می‌آورد که ریشه قرآنی دارند؛ به گونه‌ای که اگر قرآن نبود، زبان و ادب از آن واژه‌ها بی‌بهره بود. مثلاً بکاربردن ترکیب‌هایی چون «کراماً کاتبین»، «ید بیضاء»، «عروة الوثقی» و ... از آن جمله‌اند (راستگو، ۱۳۷۶: ۱۵).

نمونه اثرپذیری واژه‌ای در دیوان / ابن زیدون فراوان است که عبارت‌اند از:

- عبارت «لا تثریبا» (دیوان: ۲۷)، برگرفته از آیه ۹۲ سوره یوسف (ع)
- عبارت «ما توبتی بنصوح» (دیوان: ۳۴)، برگرفته از آیه ۸ سوره تحریم
- عبارت «بالخصم الألد» (دیوان: ۴۳)، برگرفته از آیه ۴۰ سوره بقره
- عبارت «سلطان مبین» (دیوان: همان)، برگرفته از آیه ۲۳ سوره غافر
- عبارت «ید بیضاء» (دیوان: ۴۴)، برگرفته از آیه ۲۲ سوره طه
- واژه «کوثر» (دیوان: ۲۲)، برگرفته از سوره کوثر
- عبارت «جنت ونهر» (دیوان: ۱۱۱)، برگرفته از آیه ۵۴ سوره قمر
- عبارت «لا یحبطن عمل» (دیوان: ۱۸۲)، برگرفته از آیه ۱۹ سوره احزاب
- عبارت «صبر جمیل» (دیوان: ۲۵۲)، برگرفته از آیه ۸۳ سوره یوسف (ع)
- عبارت «أواة حلیم» (دیوان: ۲۷۸)، برگرفته از آیه ۱۱۴ سوره توبه
- عبارت «خلق عظیم» (دیوان: ۲۷۹)، برگرفته از آیه ۴ سوره قلم
- عبارت «عذاب ألیم» (دیوان: ۲۸۱)، برگرفته از آیه ۵۰ سوره حجر
- عبارت «صریم» (دیوان: ۲۸۲)، برگرفته از آیه ۲۰ سوره قلم

- عبارت «وراء ظهورکم» (دیوان: ۲۹۲)، برگرفته از آیه ۱۰۱ سوره بقره
- عبارت «عجلاً جسداً» (دیوان: ۲۹۷)، برگرفته از آیه ۸۸ سوره طه
- عبارت «یدعو ثبوره» (دیوان: ۲۸۳)، برگرفته از آیه ۱۰ و ۱۱ سوره انشقاق
- عبارت «ثانی عطفه» (دیوان: ۲۰۵)، برگرفته از آیه ۹ سوره حج
- عبارت «نعم النصیر» (دیوان: ۴۶)، برگرفته از آیه ۴۰ سوره انفال

نتیجه بحث

ابن زیدون همانند بسیاری از شاعران مسلمان، در اشعار خود از مفاهیم و ساختار آیات قرآن کریم بهره برده است. اثرپذیری *ابن زیدون* از قرآن کریم به سه شیوه تلمیحی، گزاره‌ای و واژگانی صورت گرفته است.

از میان سه شیوه اثرپذیری *ابن زیدون* از قرآن کریم، بیش‌ترین بسامد مربوط به شیوه واژگانی (۱۵ مورد) است. شیوه گزاره‌ای، ۱۳ بار و شیوه تلمیحی نیز ۶ مورد به کار رفته است. اثرپذیری *ابن زیدون* از قرآن کریم بیش‌تر به صورت غیرمستقیم و ناخودآگاه بوده است تا نقل مستقیم آیات؛ همچنان‌که از میان همه موارد اثرپذیری (۳۴ مورد)، تنها ۶ مورد تضمین یا اقتباس بوده است.

به نظر می‌رسد قصایدی که به موضوع رثا اختصاص داشته، از بیش‌ترین بسامد بکارگیری آیات قرآن برخوردار بوده است. علت این امر شاید این باشد که مرگ همواره از رویدادهای عظیم و مصیبت‌بار زندگی بشر به شمار می‌آید و انسان در زمان رخداد این فاجعه که البته برایش دشوار و غیرقابل تحمل است، بیش از هر زمان دیگری نیازمند بازگشت به معنویت و پناه‌بردن به آیات روشنگر و آرامبخش قرآن است تا بتواند قدری از اندوه خود بکاهد. از سویی دیگر شاعر در این قبیل اشعار برای آنکه بتواند بیش‌ترین اثر ممکن را در تسلی خاطر مخاطب داشته باشد، بیشتر به استفاده از مفاهیم و تعبیر قرآن کریم روی آورده است.

کتابنامه

قرآن کریم.

- ابن زیدون، احمد بن عبد الله. ۱۹۹۰م، دیوان ابن زیدون، تحقیق حنا الفاخوری، بیروت: دار الجیل.
احمدی، بابک. ۱۳۷۸ش، ساختار و تأویل متن، چ ۴، تهران: مرکز.
بنیس، محمد. ۱۹۷۹م، ظاهرة الشعر العربي المعاصر فی المغرب، بیروت: دار العودة.
حماد، حسن. بی تا، تداخل النصوص فی الروایة العربية، قاهره: مطابع الهيئة المصرية العامة للکتاب.
ضیف، شوقی. ۱۹۷۱م، ابن زیدون، قاهره: دار المعارف.
عباس، احسان. ۱۹۷۱م، تاریخ الأدب الأندلسی، بیروت: دار الثقافة.
عبدالعظیم، علی. ۱۹۵۵م، ابن زیدون عصره وحياته وأدبه، قاهره: مكتبة الانجلو المصریه.
مرتاض، عبدالملک. ۱۹۹۸م، السبع المعلقات (مقاربة سيميائية/ أنتروبولوجية لنصوصها)، دمشق: منشورات اتحاد کتاب العرب.
مفتاح، محمد. ۱۹۹۵م، تحلیل الخطاب الشعري (استراتيجية التناس)، مغرب: المركز الثقافی العربي: الدار البيضاء.
مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۴ش، تفسیر نمونه، ج ۲۴، تهران: دار الکتب الإسلامية.

مقالات

- میرقادی، سید فضل الله و مهناز دهقان، «بینامتنی دیوان ابن سهل اندلسی با قرآن کریم»، فصلنامه ادبیات دینی، شماره چهارم، صص ۷-۲۸.
یلمه‌ها، احمدرضا و مسلم رجبی. ۱۳۹۳ش، «بینامتنیت قرآنی در غزلیات حافظ شیرازی»، فصلنامه مطالعات قرآنی، دانشگاه آزاد اسلامی جیرفت، شماره ۱۹، صص ۱۴۷-۱۶۱.